

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نشریه پیشرو - شماره ۴۴

۲۹ جولای ۲۰۱۲

نورانی نیاز بود، نورانی نیاز است

درست یک سال از درگذشت زنده یاد داد نورانی می گذرد. یک سال قبل در همین روز، مرگ، یک زندگی پربار، متعهد، آگاه، خلاق و فداکار را از ما گرفت. در این مدت، دوستان، همراهان، همفکران و شاگردان آن عزیز، سنگینی نبود او را احساس نموده و این واقعیت را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند که امروز تا چه اندازه به او نیاز دارند. همه با حسرت فریاد بر می آرند: کاش این انسان بزرگ و معلم خوب در کنار ما بود.

آنانی که از نزدیک با زنده یاد نورانی کار می کردند او را به آگاهی، پشتکار، خستگی ناپذیری، دور اندیشی، درایت و مصمم بودنش می شناختند. با آغاز زندگی سیاسی از دوره محصلی تا آخرین دقایق زندگی، او در راه تحقق آرمان خود که دفاع از منافع زحمتکشان کشور ما بود لحظه ای از تلاش باز نایستاد؛ هر چه در توان داشت در خدمت همین آرمان گذاشت و زندگی خود را وقف همین راه نمود. راهی که پر پیچ و خم است، سنگلاخ دارد و پر از خار است که فقط با نیروی ایمان محکم پیموده می شود. این خصوصیات از او چنان انسان متفاوت ساخته بود که دیگران به زودی شیفته شخصیت او می شدند.

زنده یاد نورانی نه تنها از تحصیلکردگانی که تنها به منافع شخصی و خانوادگی خود فکر می کنند، فرسنگ ها فاصله داشت، بلکه انتخاب چنین زندگی را برای خود ننگ می دانست. او روشنفکر مبارز و مردمی بود و تا آخر در کنار محروم ترین افراد جامعه زندگی کرد. او با دستیابی به علم مترقی اجتماعی که بر ریشه های مصایب و آلام اجتماع مرهم می گذارد و علم رهائی زحمتکشان است، می دانست که گسستن زنجیرهای استبداد حاکم و استعمار و غارتگری وطن ما از سوی اجانب که بر جسم و جان مردم ما سنگینی می کند، از راه روشنگری، آگاهی دادن و مبارزه عملی پیگیر میسر است تا زحمتکشان و محرومان ملیونی کشور ما به رهائی، برابری و زندگی انسانی برسند. نورانی از اولین روزهای محصلی تا آخرین روزهای زندگی به این بار سنگین شانه داده بود و با کار و تلاش شبانروزی می کوشید در به فرجام رساندن این امر خطیر سهم بگیرد. او تا پایان با همان شور و شوق کار کرد و عرق ریخت که در آغاز به آن عهد بسته بود.

نورانی به مردم و وطنش عشق می ورزید. او می دید که این هر دو به استثنای دوره نسبتاً درخشان تجدد امانی در طول تاریخ تن خونین داشته اند و قربانی صدها خیانت گشته اند. زنده یاد نورانی که در مکتب وطن پرستی و آزادی خواهی پرورده شده بود، می دانست که از استبداد داخلی و استعمار اشغالگران نباید انتظار ارمغانی بهتر از بر باد رفتن افغانستان را داشت. وی در محکوم کردن جنگ های تنظیمی جهادی و دوره قرون وسطائی طالبان پیشقدم بود اما وقتی کشور ما زیر نام «مبارزه علیه تروریسم» اشغال گردید، با صراحت نوشت: استعمار بدتر از استبداد است، و نشان داد این حاکمیت طالبان و یازده سپتمبر نبود که پای غرب را به افغانستان کشاند بلکه بر اساس ماهیت جنگ افروزانۀ غرب و بازوی نظامی اش ناتو، باید تمامی کشورها از کشمیر تا مدیترانه در آتش جنگ افروزی ها بسوزند. چنانچه امروز پاکستان، افغانستان، عراق، سوریه و لیبیا را به چشم سر می بینیم.

زنده یاد نورانی با زحمات شبانه روزی به جمعاوری و نوشتن داستان های درد و رنج هزاران کابلی و جنایاتی که این شهر زخمی شاهدش بوده، پرداخت و آن را در سوگنامه «کابلان با خون می نویسند» با ایمان کامل به این که تبهکاران هر چه هم که از حمایت جنگ افروزان جهانی برخوردار باشند، روزی در آتش خشم مردم ما خواهند سوخت، به حیث یک سند ارزشمند تاریخی ثبت کرد.

نورانی نقش بسزائی در تغییر اذهان عامه از طریق فعالیت ژورنالیستیک ایفاء کرد. صدها مقاله و نوشته او که تمامی آنها به شکلی از اشکال در تقبیح جنایت و خیانت حاکمان و استعمارگران و در دفاع از منافع زحمتکشان افغانستان بود، او را در میان همه یگانه و مستثنی می ساخت. او در کنار نوشتن برای روزنامه ها و نشریات دیگر، نشریه پیشرو را به همت تنی چند از شاگردان و دوستانش بنیان گذاشت تا بتواند نقطه نظر آتش را آنچنانی که خود می خواست، رُک و صریح بیان نماید.

زنده یاد نورانی مسلک معلمی را جزئی از زندگی مبارزاتی خود گردانیده بود و چراغ علم و آگاهی را در شب های ظلمانی کشور ما از شرق تا غرب با خود حمل می کرد. به همین جهت شاگردانش او را آموزگاری از نوع صمد بهرنگی می دانستند و از این خاطر امروز از او به حیث معلم ورزیده، با پشتکار و زحمتکش یاد می کنند. زندگی ساده اش نمونه دیگری از شخصیت والای انسانی بود که باید از وی می آموختیم. هرچند او می توانست زندگی آسوده و مرفهی داشته باشد اما تا آخر مثل مردمش زیست، زیرا او کسی نبود که نسبت به زندگی دوزخ آسای مردم بی اعتناء بماند.

زنده یاد نورانی در سال های اخیر زندگی پربارش از بیماری قلب و شکر رنج می برد، اما وقتی نیروی جسمی اش به پایان رسید با «نیروی دل» به کار کردن ادامه داد و نمونه دیگری از خستگی ناپذیری خود به جا گذاشت. این انسان بزرگ بالاخره در ۲۲ سرطان ۱۳۹۰ برای همیشه در دل خاک خفت تا بر خاک تنش لاله سرخینه دمد.

یادش گرامی باد

هیأت تحریر «پیشرو»

۲۲ سرطان ۱۳۹۱

